



The Greater Jihad as a Cultural Imperative in Islam

Bahram Bayat

Professor of Sociology, Faculty Member, National Security Faculty, Supreme National Defense University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

Email: bahram.bayat@gmail.com

Abdul Raouf Tavana

Ph.D. Candidate, Supreme National Defense University, Tehran, Iran.

Arian Navabi

Ph.D. Candidate, Supreme National Defense University, Tehran, Iran.

Abstract

A retrospective analysis reveals that the intellectual jihad to expel colonialism from minds and hearts has been far more challenging than the armed jihad to remove it from the territories of the Islamic world. History has proven that the physical evacuation of occupied lands is achievable; however, victory in the cultural and social spheres hinges solely upon the intellectual prowess of Muslims and their meticulous engagement in theological, rational, and philosophical domains. Jihad, defined as the mobilization of all capacities to repel the enemy, manifests in diverse forms, as the enemy's assaults occur through multifaceted strategies. Among the most severe and consequential attacks by the adversaries of Islam -inflicting profound damage upon Islamic societies- is cultural invasion. This study examines the conceptualization of jihad and its typologies from an Islamic perspective, delineating its classifications: a mujahid is one who combats the lower self in obedience to God, and must not limit efforts to external adversaries alone. The application of various forms of jihad necessitates specific conditions to justify their employment. The research employs a library-based methodology supplemented by internet searches, extracting themes and dimensions from authoritative texts and analyzing the viewpoints of Sunni and Shiite scholars.

Keywords: Jihad, Greater Jihad, Lesser Jihad, Cultural Jihad.





سال سوم، شماره یکم (پیاپی ۸)، بهار ۱۴۰۳، صص. ۱-۲۶
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۵

مقاله پژوهشی

جهاد کبیر به مثابه امری فرهنگی در اسلام

بهرام بیات

استاد جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی دانشکده امنیت ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
Email: bahram.bayat@gmail.com

عبدالرئوف توانا

دانشجوی دکتری دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.

آرین نوابی

دانشجوی دکتری دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.

چکیده

با نگاه به گذشته متوجه می‌شویم که جهاد فکری برای بیرون راندن استعمار از ذهن‌ها و دل‌ها، دشوارتر از جهاد مسلحانه برای بیرون راندن استعمار از سرزمین‌های جهان اسلام بوده است. تاریخ ثابت کرده است که خروج از سرزمین‌های اشغالی امکان‌پذیر می‌باشد؛ اما پیروزی از ناحیه فرهنگی و اجتماعی تنها به قدرت فکری مسلمانان و دقت در حوزه‌های اعتقادی، عقلی و فلسفی بستگی داشته است. جهاد، یعنی به کار بستن تمام توان در دفع دشمن که به صورت‌های مختلفی انجام می‌گیرد، زیرا حمله و هجوم دشمن به شیوه‌های مختلف رخ می‌دهد. یکی از حملات جدی و اثرگذار دشمنان اسلام که منجر به صدمات سنگینی بر پیکره جوامع اسلامی شده است، هجوم فرهنگی می‌باشد. در پژوهش حاضر، به بررسی شناخت جهاد و انواع آن از منظر اسلام پرداخته شده است و بخش‌بندی‌های متفاوت انجام گرفته است که مجاهد کسی است که در طاعت خدا با نفس مبارزه کند و نباید به مبارزان خارجی بسنده نماید. استفاده از انواع جهاد نیاز به شرایط خاص می‌طلبد تا از آن استفاده صورت گیرد. این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای و جست‌وجوی اینترنتی انجام شده است. استخراج موضوعات و جوانب گوناگون از متون معتبر و دیدگاه و آرای اندیشمندان اهل تسنن و تشیع مورد بررسی انجام گرفته است.

کلیدواژه‌ها: جهاد، جهاد اکبر، جهاد اصغر، جهاد فرهنگی.

شاپا الکترونیک: ۳۰۴۱-۹۹۷۲ ♦ شورای عالی نظریه‌پردازی، نقد و مناظره ♦ فصلنامه نظریه‌پردازی راهبردی

<https://theory.sndu.ac.ir/> E-ISSN: 3041-9972



صحت مطالب بر عهده نویسنده مقاله است؛ همچنین آرا و مفاهیم نظری مقاله بیانگر دیدگاه دانشگاه عالی دفاع ملی یا تایید شورای عالی نظریه‌پردازی، نقد و مناظره نیست.



مقدمه

جهاد در لغت به معنای سخت‌کوشی و مقاومت در راه رسیدن به هدف است و در اصطلاح فقه اسلامی به معنای سخت‌کوشی در نبرد با دشمنان اسلام و دفاع از حوزه دین می‌باشد. به عبارتی جهاد اکبر و جهاد اصغر همان سخت‌افزار و نرم‌افزاری است که با هم مرتبط هستند.

یوسف قرضاوی در دایره المعارف خود به تعریف جهاد می‌پردازد و اصطلاح جهاد را از تعاریف رایج رسمی و سنتی خارج می‌کند؛ زیرا اولین چیزی که از اصطلاح جهاد به ذهن می‌رسد تیراندازی و جنگیدن است. در شرح این اصطلاح به حدیث حجه الوداع اشاره می‌کند: (والمجاهد من جاهد نفسه فی طاعة الله) مجاهد کسی است که در طاعت خدا با نفسش مبارزه کند. شیخ می‌کوشد این مفاهیم را متفاوت از تعاریف رسمی معروف بیان کند و معانی و مفاهیمی را که از نگاه مردم پنهان مانده است به صحنه آورد.

در جهان امروز فرعون‌ها، قارون‌ها، سامری‌ها و بلع‌های زمان با استفاده از «زور»، «پول»، «هنر» و «تقدس‌ظاهری» مردم را از معرفت و عبادت خدا باز می‌دارند و به بردگی و تسلیم در برابر طاغوت‌ها فرا می‌خوانند. آنان بندگان خدا را غلام و کنیز خویش می‌دانند. رهاسازی جامعه از فرهنگ طاغوتی و معیارها و موازین فرعون‌ی و استناداردها و داوری کفر جهانی نیاز به جهاد است (مهدی‌پور، ۱۳۸۷).

در قرآن و احادیث جهاد یکی از احکام ضروری اسلام می‌باشد «وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (توبه، ۴۱). ای مؤمنان، با اموال و نفوس خودتان در راه خدا جهاد کنید که این جهاد به نفع شماست اگر آگاه باشید.

چنان که ملاحظه می‌فرمایید در آیه مذکور به دو نوع جهاد، یعنی جهاد با اموال و جهاد با نفوس اشاره شده است. در صورتی که کشور اسلامی یا فرهنگ و عقاید اسلامی مورد تهاجم دشمنان قرار گیرد بر مسلمانان واجب است از آن دفاع کنند، چه به وسیله حضور فیزیکی در میدان نبرد باشد و چه با کارهای فرهنگی، به وسیله زبان و قلم و دیگر وسایل نشر فرهنگ و در همه این موارد، اگر نیاز به صرف اموال باشد، بر کسانی که تمکن مالی دارند واجب است بودجه آن را تأمین نمایند، چنان که در آیه مذکور بدان تصریح شده و به عنوان جهاد مالی معرفی شده است. دولت اسلامی نیز در این خصوص می‌تواند با رعایت عدل و انصاف، هزینه‌های لازم را دریافت و به مصرف برساند.



جهاد انواع گوناگونی دارد که در کتاب‌های فقهی به تفصیل درباره آن بحث شده ما در اینجا به جهاد اشاره می‌کنیم که بسیار مهم است که آن عبارت است از جهاد با نفس، چنان که پیامبر گرامی اسلام (ص) آن را «جهاد اکبر» معرفی کرد و جهاد با دشمن فیزیکی که جهاد اصغر می‌نامند. پیامبر (ص) جهاد با دشمن را با همه سختی‌هایی که دارد، جهاد اصغر معرفی می‌کنند؛ چون جهاد در جبهه جنگ ممکن است چند روز و یا چند سال از زمان عمر انسان را در برگیرد؛ ولی جهاد با خواهش‌های نفسانی و طاغوت‌های درونی، همیشگی است؛ در آشکار و نهان، در خانه و محل کار و بازار و بالاخره در همه‌جا انسان باید با نفس اماره مبارزه کند.

نوع دیگری از جهاد، جهاد کبیر یا همان جهاد فرهنگی است که اسلام و مسلمین با کوتاهی و غفلت از آن در برخی از مقاطع زمانی، ضربات سهمگینی را از دشمنان خود دریافت کرده‌اند؛ به‌عنوان مثال می‌توان در قرون گذشته از جریان اشغال آندلس و فلسطین به دست مسیحیان و صهیونیسم نام برد.

آنچه امروز مخالفین اسلام را بیش از هر چیز دیگری به وحشت انداخته است، قدرت اسلام و حضور فعال آن در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است؛ بنابراین طبیعی است که استکبار جهانی، در مسیر اهداف خویش، جهان اسلام را که به‌عنوان آخرین دین الهی، همواره در برابر تجاوزات بی‌شرمانه غرب ایستاده است، به‌طور جدی آماج حملات شدید فرهنگی خود قرار دهد و با ترویج فرهنگ آلوده خویش از راه اشاعه تفکر مبتذل مادی و نشان دادن مظاهر فریبنده دنیای صنعتی، در فرهنگ اصیل اسلامی رخنه کرده، ارزش‌ها و باورهای دینی را سست نماید و اندک اندک ریشه اعتقادات امت اسلامی را بخشکاند و سپس از دو دستاورد تمدن جدید غرب که یکی تکنولوژی و دیگری آلودگی اخلاقی و فرهنگی است، همواره رنگ و لعاب آن را به وی نشان دهد و هنگامی که خوب به آن نزدیک شود، او را مانند خود در دومی که منجلا ب فساد غرق سازد. انگیزه این تهاجم، نخست ایجاد جو خود باختگی و روح بی‌تفاوتی در جامعه، نسبت به ارزش‌های اصیل خودی و تخریب هویت مذهبی و ملی آن جامعه می‌باشد، سپس ایجاد جامعه‌ای تازه که تفکرات و باورهای جهان غرب را بپذیرد و عقاید و ارزش‌های دینی و فکری خود را دور بریزد و از نظر فرهنگ مصرف، در الگوی مصرفی غرب غرق شود. در این صورت است که با نابودی فرهنگ یک کشور، زمینه برای رشد سیطره سیاسی و اقتصادی و گسترش سلطه همه‌جانبه استکبار جهانی هموار خواهد شد. آنچه امروز ابرجنایتکاران، با بهره‌گیری از تکنولوژی



ارتباطات و برنامه‌های ماهواره‌ای، با شعار تحقق دهکده واحد جهانی و همسان‌سازی فرهنگی، برای جهانی کردن فرهنگ خود تبلیغ می‌کنند، همه و همه در راستای همین اهداف است. در برابر این یورش و هجوم دشمن، هیچ راه چاره‌ای جز جهاد در عرصه فرهنگ، در مقابل دشمنان قسم خورده وجود ندارد. آنان که هر دم از گفتمان سازش با دشمن سخن می‌گویند، گویا از تاریخ خیانت‌کاران سازشگر و ساده لوحانی چون خود، درس عبرت نگرفته و آیات قرآن را حتی برای یک‌بار هم که شده، به دیده تأمل ننگریسته‌اند، آنجا که فرموده است: «وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنْ هَدَى اللَّهُ هُوَ الْهَدَىٰ وَلَئِنَّ آتِبَعَتْ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ». هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد، (تا به‌طور کامل، تسلیم خواسته‌های آن‌ها شوی) از آیین (تحریف یافته) آنان، پیروی کنی. بگو: هدایت، تنها هدایت الهی است و اگر از هوس‌های آنان پیروی کنی، بعد از آن که آگاه شده‌ای، هیچ سرپرست و یاورى از سوى خدا برای تو نخواهد بود (بقره، ۱۲۰).

چنان که ملاحظه می‌فرمایید در این قبیل احادیث، جهاد به‌عنوان مسیر برای رسیدن سعادت دنیوی و اخروی انسان است.

۱. معرفی مفاهیم

۱-۱. جهاد

واژه جهاد از ریشه جهد یا جهد به معنی مشقت و سختی، (ابن منظور، ۱۳۳: ۱۴۱۴) نیرو و توان، (ابن فارس، ۱۴۰۴) تلاش و کوشش بسیار در راه رسیدن به هدف (فیومی، ۱۱۲: ۱۴۱۴) است این کلمه به شکل صیغه مبالغه و مفهوم جنگ با کفار (ابن اثیر ۳۱۹: ۱۳۶۷) را در خود جای داده است. در اصطلاح و در کاربرد قرآن کریم و عرف مسلمانان، جهاد فقط جنگ بر ضد کفار و مشرکان است و بر فعالیت‌های رزمی و نظامی کفار و مشرکان، چه در میان خودشان باشد یا علیه مسلمانان، اطلاق نمی‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۲۳).

در فرهنگ عربی المنجد آمده است که جهد گاهی به معنای حداکثر توان و طاقت و گاهی به معنای سختی و دشواری به کار می‌رود و مجاهده یعنی به‌کارگیری آنچه در توان است. در اصطلاح، جهاد مبارزه برای دفاع از دین است (معلوف، ۱۳۹۷). در لسان العربی نیز بر کثرت نهایت سعی در حد وسعت و طاقت در گفتار و کردار تأکید شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴).



در اصطلاح دینی، جهاد به مثابه مفهوم اخلاقی «مجاهدت با هواهای نفسانی و هوس‌های شیطانی» (جمشیدی، ۱۳۸۹)؛ یا جهاد اکبر و کلامی فقهی، کاربرد نهایت توان برای شهادت در راه خدا با نفس (جان) و مال (دارایی) و زبان یا غیر آن است (حرعاملی، ۱۴۰۱).

در اصطلاح شرع، جهاد به عنوان ابزاری برای حفظ اسلام و مسلمانان در مقابل تجاوز و ظلم، تشریع و به عنوان جنگی مشروع به منظور دفاع از مذهب و جلوگیری از تجاوز و بی‌عدالتی توسعه یافته است. روشن‌ترین معنی مصطلح آن، همان جنگیدن در راه خدای متعال است که جهادگر در آن، خود را در معرض شهادت قرار می‌دهد. چنین جهادی با جهاد نفس نیز قرین خواهد بود (مصباح یزدی، ۱۳۸۳).

۲. انواع جهاد در اسلام

با توجه به ادبیات دینی برمی‌آید که در آن از سه نوع جهاد نام برده شده است:

۲-۱. جهاد اکبر

جهاد اکبر به معنای جهاد با خود است و تلاش برای رسیدن به تقوا و پاکسازی جان و روح از ناخوشایندی‌ها است. این نوع جهاد شامل مبارزه با وسوسه‌ها، خواسته‌های نفسانی و انحرافات ذهنی است. جهاد اکبر می‌تواند شامل پاکسازی قلب و خالص کردن اعمال و عبادات باشد. به طور مثال، مبارزه با خشم، حسد، خودپسندی و خواسته‌های نفسانی علامت جهاد اکبر است.

۲-۲. جهاد اصغر

جهاد اصغر به معنای جهاد با دیگران است و تلاش برای اصلاح جامعه است. این نوع جهاد شامل مبارزه با ظلم، نابرابری اجتماعی، فساد و ستم است. جهاد اصغر می‌تواند شامل کمک به نیازمندان، مبارزه با ستمگران، آموزش دادن ارزش‌های دینی و اخلاقی به دیگران و ساختاردهی برای طرح هدایت جامعه باشد. پس مبارزه انسان با خواسته‌های نفس اماره از روزی که انسان به حد رشد و بلوغ می‌رسد و خود را می‌شناسد، به طور جدی آغاز شده و تا پایان عمر ادامه پیدا می‌کند. هیچ یک از بندگان خدا از این جهاد مستثنا نیستند و غفلت از این نزاع درونی، عوارض سنگین دنیوی و اخروی را در پی خواهد داشت. در حدیثی از رسول گرامی اسلام (ص) آمده است که این نوع از



جهاد، «جهاد اکبر» نامیده شده است. پس از آن که رسول خدا (ص) به همراه اصحاب از جنگی باز می‌گشتند، خطاب به یاران خود فرمودند: رَجَعْنَا مِنَ الْجِهَادِ الْأَصْغَرِ إِلَى الْجِهَادِ الْأَكْبَرِ. از جهاد اصغر به سوی جهاد اکبر بازگشتیم (غزالی، ۷)؛ یعنی جهاد و مقابله نظامی با دشمنان خدا جهاد اصغر (کوچک‌تر) است و جهادی که حتی در زمان عاری از جنگ، همواره انسان با آن درگیر است - که همان جهاد نفس و مقابله با شیطان است - «جهاد اکبر» محسوب می‌شود؛ اما چرا و چگونه جهاد درونی از منظر اسلام، بزرگ‌تر از جهاد بیرونی است درحالی‌که در نگاه اولیه، جهاد بیرونی از زحمت و مشقت فراوانی برخوردار است و هزینه‌های جانی و مالی زیادی را به جامعه تحمیل می‌کند؟ چه بسیار خانواده‌ها که به خاطر از دست دادن عزیزانشان در جنگ، عزادار می‌شوند و فرزندان آن‌ها یتیم می‌گردند و چه خانه‌هایی که سرپرست خود را از دست می‌دهند. همچنین رزمندگان بسیاری دچار نقص عضو و آسیب‌های جدی و غیرقابل جبرانی می‌شوند که هزینه‌های طاقت فرسایی را برای خانواده‌ها و جامعه در پی خواهد داشت. تمام این‌ها صرف نظر از مخارج مالی غیر قابل وصفی است که به‌طور طبیعی در هر جنگی گریبان‌گیر ملت‌ها می‌شود؛ اما در وادی جهاد با دشمن داخلی و مبارزه با نفس، افراد هزینه‌ای را متقبل نشده و زحمتی را به دوش نمی‌گیرند؛ نه حرف از بذل جان است و نه مال.

در پاسخ به این سؤال باید گفت تمام این مبارزات بیرونی و هزینه‌های مالی و جانی آن، مبتنی بر شکست در میدان مبارزه‌ای است که اگر انسان در آن میدان پیروز عرصه پیکار بود، هرگز کار به جنگ‌ها و خون‌ریزی‌ها و صدمات زیاد مالی و جانی آن نمی‌کشید.

همیشه جنگ‌ها در طول تاریخ بشر، نشان از ظلم و ستمی دارد. این یک قانون کلی و روشن است که در تمامی جنگ‌ها، یا دو طرف مبارزه ظالم هستند و یا حداقل یک طرف ظالمانه و به ناحق موجب برافروختن آتش جنگ گردیده است. تصور این که هیچ یک از طرفین ظالم نبوده و هر دو طرف جبهه حق و مورد رضای پروردگار باشند، امری محال است و عقل به خلاف آن حکم می‌کند. پس در واقع گروه ظالم که موجب درگیری و جنگ شده‌اند، همان عده‌ای هستند که در نبرد با هوای نفس شکست خورده‌اند و به‌جای حکومت ایمان و عقل بر مملکت جانشان، این شیطان و هوای نفس است که بر ایشان حکمرانی می‌کند. آری شکست خوردگان میدان مبارزه با نفس همان‌هایی هستند که با دعوت نفس و وسوسه‌های شیطان، پیوسته در مال و جان دیگران طمع می‌ورزند و برای رسیدن به قدرت و ثروت و امیال نفسانی خود، از ارتکاب هیچ جنایتی



فروگذار نمی‌کنند. نمونه بارز آن‌ها امروز، ابرقدرت‌ها و استکبار جهانی هستند که برای رسیدن به این جایگاه، سالیان درازی را به جنگ و خون‌ریزی از ملت‌های مظلوم اختصاص دادند و با تضعیف جوامع دیگر، ثروت و دارایی آن‌ها را به غارت بردند.

با این توضیح به‌خوبی پیداست که چرا دین مبین اسلام، جهاد درونی یا جهاد با نفس و شیطان را بزرگ‌تر از جهاد بیرونی می‌داند. مقدمه و بستر اولیه جنگ‌ها و ظلم‌های موجود در جهان، اهمیت ندادن به مبارزه با نفس و سرکوب شیطان است. لذا در حدیث از رسول خدا (ص) می‌خوانیم: «أَعْدَى عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ؛ دشمن‌ترین دشمنان تو، نفس توست که بین دو پهلویت قرار دارد» (مجموعه ورام، ۵۹). کنترل نفس و غلبه بر شیطان، از انسان، مجاهدی می‌سازد که تمام فکر و ذکر او یاد خدا و جلب رضایت پروردگار است. چنین شخصیتی دنیا را آن‌چنان خرد و ناچیز می‌بیند که هرگز حاضر نیست برای مطامع دنیوی، دست خود را به ظلم بی‌آلاید.

علمای اخلاق برای نفس (احساسات و غرایض و عواطف آدمی) سه مرحله قائلند که در قرآن کریم به آن‌ها اشاره شده است:

الف. نفس مطمئنه:

مرحله‌ای است که پس از تهذیب و تربیت کامل، انسان به مرحله‌ای می‌رسد که غرایض سرکش در برابر او رام می‌شوند و توانایی پیکار با عقل و ایمان را در خود نمی‌بینند؛ چرا که عقل و ایمان آن‌قدر نیرومند شده‌اند که غرایض نفسانی در برابر آن توانایی چندانی ندارد. این همان مرحله آرامش و سکینه است، آرامشی که بر اقیانوس‌های بزرگ حکومت می‌کند، اقیانوس‌هایی که حتی در برابر سخت‌ترین طوفان‌ها چین و شکن بر صورت خودنمایان نمی‌سازند. این مقام انبیا، اولیا و پیروان راستین آن‌ها است، آن‌هایی که در مکتب مردان خدا درس ایمان و تقوا آموختند و سال‌ها به تهذیب نفس پرداخته و جهاد اکبر را به مرحله نهایی رسانده‌اند. آیات پایانی سوره فجر این موضوع را مطرح می‌کند: «يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّهُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مَُّرْضِيَةً قَدْ خَلَىٰ فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي؛ ای صاحب نفس مطمئن، به‌سوی پروردگارت بازگرد، در حالی که هم تو از خدا راضی هستی و هم خدا از تو راضی است پس در جمع بندگانم وارد شو و در بهشت» (فجر، ۲۷).

ب. نفس لوامه: که انسان پس از تعلیم و تربیت و مجاهدت، به آن ارتقا می‌یابد؛ در این مرحله ممکن است بر اثر طغیان غرایض گه‌گاه مرتکب خلاف‌هایی شود اما فوراً پشیمان می‌گردد و به ملامت و سرزنش خویش می‌پردازد و تصمیم بر جبران گناه می‌گیرد و دل و جان را با آب توبه



می‌شوید و به تعبیر دیگر در مبارزه عقل و نفس گاهی عقل پیروز می‌شود و گاهی نفس، ولی به هر حال کفه سنگین از آن عقل و ایمان است. البته برای رسیدن به این مرحله جهاد اکبر لازم است و تمرین کافی و تربیت در مکتب استاد و الهام گرفتن از سخن خدا و سنت پیشوایان. این مرحله همان است که قرآن مجید در «سوره قیامت» به آن سوگند یاد کرده است، سوگندی که نشانه عظمت آن است: «لَا أُقْسِمُ بِیَوْمِ الْقِیَامَةِ، وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ؛ سوگند به روز رستاخیز و سوگند به نفس سرزنشگر» (قیامت، ۱).

ج. نفس اماره: نفس سرکش است که انسان را به گناه فرمان می‌دهد و به هر سو می‌کشانند و لذا اماره‌اش گفته‌اند در این مرحله هنوز عقل و ایمان آن قدرت را نیافته که نفس سرکش را مهار زند و آن را رام کند بلکه در بسیاری از موارد در برابر او تسلیم می‌گردد و یا اگر بخواهد گلاویز شود نفس سرکش او را بر زمین می‌کوبد و شکست می‌دهد و همه بدبختی‌های انسان از آن است (تفسیر نمونه، ۴۳۶). در این زمینه از زبان حضرت یوسف (ع) نقل می‌کنند که به یک شکل بدبینانه‌ای به نفس خودش می‌نگرد: «وَمَا أُبْرِئُ نَفْسِي إِنْ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي؛ من نفس خود را تبرئه نمی‌کنم چرا که مسلماً نفس پیوسته به بدی‌ها امر می‌کند مگر آن که پروردگارم رحم کند» (یوسف، ۵۳).

همچنین آیه زیر به نتیجه پیروی از نفس اماره اشاره دارد: «أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ؛ آیا دیدی آن‌کس را که هوای نفسش را معبود خود گرفت و خداوند او را به جهت علمی که داشت گمراه کرد و بر گوش و قلبش مهر نهاد و بر چشمش پرده‌ای انداخت، دیگر بعد از خدا چه کسی او را هدایت می‌کند، آیا باز هم متذکر نمی‌شوید؟» (جاثیه، ۲۲).

۲-۳. جهاد فرهنگی یا جهاد کبیر

جهاد فرهنگی تلاش بزرگ و مقدس برای نگهبانی از افکار الهی، نگاه الهی، عواطف عالی انسانی و آرمان‌های بلند اجتماعی و سلامت عقل و اندیشه و قلب و احساس جامعه بشری است. جهاد فرهنگی دو جبهه بزرگ و همیشگی دارد: ۱. جهاد برای خودسازی و تزکیه اخلاقی؛ ۲. جهاد برای امر به معروف و اقامه آن و نهی از منکر و ساختن جامعه اسلامی. خودسازی همان جهاد اکبر است.



جهاد کبیر نوعی از جهاد فرهنگی است که تمام مسلمین و هرکس به اندازه توان و ظرفیت خود، همچنین نهادهای آموزشی، پژوهشی، تبلیغی، اطلاع رسانی و تربیتی دنیای اسلام، ایفای این مسئولیت الهی را بر عهده دارند. آموزش و تبلیغ و روشنگری و شبهه‌زدایی و اصلاح اندیشه و اخلاق و رفتار جامعه بشری در پرتوی معارف قرآنی، جهاد فرهنگی است.

اگر بخواهیم خیلی رسا و در کمترین عبارت، جهاد کبیر را تعریف کنیم؛ می‌توانیم بگوییم: نفوذناپذیری مؤمنان در برابر کافران یا به عبارتی دیگر، مقاومت و تسلیم ناپذیری اهل ایمان در مقابل دشمنان قرآن. اطاعت نکردن از کفار همان چیزی است که خدای متعال آن را جهاد کبیر معرفی می‌کند: «فلا تطع الکافرین و جاهدهم به جهادا کبیرا» (فرقان، ۵۲).

بر اساس معارف قرآن کریم، دشمنان اسلام هرگز از مسلمانان راضی نخواهند شد مگر آنکه مسلمین، اسلام را رها کنند و پیرو کافران شوند؛ در نتیجه فرمان الهی این است که هرگز نباید در برابر آنان کوچک‌ترین نرمشی انجام دهید بلکه باید در برابرشان محکم و استوار همچون کوه مقاومت کنید و تسلیم‌ناپذیر باشید. به نظر می‌رسد دست کم باید دو شرط حاصل شود تا جهاد کبیر تحقق پیدا کند: الف. شرط قصد قربت، یعنی ویژگی درونی؛ هدف شناسانه، انگیزه و نیت تقرب به خدا، این همان قیدی است که در جهاد مطرح است و اگر جهاد برای رضای خدای متعال انجام نشود و به اصطلاح «فی سبیل الله» نباشد، دیگر جهاد نیست؛ ب. برهم‌زدن نقشه دشمن، یعنی ویژگی بیرونی؛ عملکردی در جهت عکس خواست دشمنان قرآن، این شرط به صراحت در قرآن کریم آمده است: «فلا تطع الکافرین و جاهدهم به جهادا کبیرا».

بسیاری از مفسران قرآن کریم یادآور شده‌اند که فعالیت علمی اندیشمندان اسلامی و متکلمان در پاسخ‌گویی به شبهات دشمنان اسلام، یکی از مصادیق روشن و پر ارزش جهاد کبیر است و حتی برخی از مفسرین تصریح کرده‌اند که یکی از بهترین و بزرگ‌ترین جهادها در پیشگاه خدا، جهاد کسانی است که شبهه‌های دشمنان دین را باطل می‌کنند که در مقابل تهاجم دشمن در سنگر مسجد، رسانه و دانشگاه، مقابله می‌کنند. در قرآن کریم خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنْ هَدَى اللَّهُ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ. الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد تا (به‌طور کامل تسلیم خواسته‌های آن‌ها شوی) و از آیین (تحریف یافته) آنان پیروی کنی، بگو



هدایت تنها هدایت الهی است و اگر از هوی و هوس‌های آن‌ها پیروی کنی، بعد از آنکه آگاه شده‌ای هیچ سرپرست و یآوری از ناحیه خدا برای تو نخواهد بود. کسانی که کتاب آسمانی، به آن‌ها داده‌ایم (یهود و نصاری) و آن را از روی دقت می‌خوانند به پیامبر اسلام ایمان می‌آورند و کسانی که به او کافر شوند زیان‌کارند.»

۲-۳-۱. ماهیت جهاد فرهنگی

اصطلاح «جهاد فرهنگی» همان‌طور که پیداست، از دو واژه جهاد و فرهنگ تشکیل شده است. پیش از این درباره کلمه جهاد توضیح دادیم؛ اما اینک باید در مورد معنا و مفهوم فرهنگ توضیحی ارائه کنیم. فرهنگ در لغت (لغت‌نامه دهخدا، معین، عمید و ...) معانی متعددی دارد، از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: علم، دانش، تربیت، ادب، واژه نامه، کتاب لغت، عقل، خرد، تدبیر، چاره، معرفت، تعلیم و تربیت؛ اما در مورد معنای اصطلاحی این واژه، تعاریف متعددی مطرح شده است. برخی در تعریف فرهنگ نوشته‌اند: «در برخی تعاریف، فرهنگ دربرگیرنده اعتقادات، ارزش‌ها و اخلاق و رفتارهای متأثر از این سه و همچنین آداب و رسوم و عرف یک جامعه معین تعریف می‌شود. در گونه‌ای دیگر از تعاریف، آداب و رسوم شالوده اصلی فرهنگ تلقی می‌شود و صرفاً ظواهر رفتارها، بدون در نظر گرفتن پایه‌های اعتقادی آن، به‌عنوان فرهنگ یک جامعه معرفی می‌گردد؛ و بالاخره در پاره‌ای دیگر از تعاریف، فرهنگ به‌عنوان «عاملی که به زندگی انسان معنا و جهت می‌دهد» شناخته می‌شود. شاید بتوان گفت این تعریف، منطقی‌ترین سخن در تعریف این واژه است» (مصباح یزدی، ۱۵۰).

آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در تعریف فرهنگ، در یکی از بیانات خود فرموده‌اند: «فرهنگ به معنای خاص برای یک ملت، عبارت از ذهنیات، اندیشه‌ها، ایمان‌ها، باورها، سنت‌ها، آداب و ذخیره‌های فکری و ذهنی است» (پایگاه اطلاع رسانی حوزه، ۱۳۸۵). این تعریف در واقع اشاره به عواملی دارد که به زندگی انسان معنا و جهت می‌دهند و تقریباً از حیث ماهیت با تعریف قبلی یکسان است. پس از این که معنی جهاد و فرهنگ را به‌طور جداگانه مورد بررسی قرار دادیم، وقت آن فرا رسیده تا با معنی ترکیبی این دو واژه یعنی عبارت «جهاد فرهنگی» و یا به عبارت دیگر ماهیت جهاد فرهنگی آشنا شویم.

در تعریف جهاد فرهنگی می‌توان گفت، فرایندی است که به معنای ایجاد تحول و خلق ارزش‌ها و روابط اخلاقی و هنجارهای مناسب با دید اسلامی و خدامحور می‌باشد و برای ارضای



نیازهای آدمی، زمینه‌های لازم را در قالب اجتماع، فراهم می‌کند. از این منظر، می‌توان از جهاد فرهنگی به پویایی و رشد فرهنگی نیز یاد کرد. هدف کلان جهاد فرهنگی را می‌توان در انبساط فکری جامعه در جهت جانشین کردن مراتب عقلی، در قواعد تصمیم‌گیری، تضمین تربیت و تعلیم و پرورش صحیح و ارتقای سطح کارآمدی مردم برای تحقق جامعه‌ای سالم و بهره‌مند از امکانات مفید، بیان و تبیین کرد.

جهاد فرهنگی تلاشی بزرگ و مقدس برای نگهبانی از افکار الهی، نگاه الهی، عواطف عالی انسانی و آرمان‌های بلند اجتماعی و سلامت عقل و اندیشه و قلب و احساس جامعه بشری است. این جهاد، فقط دفاعی و برای جلوگیری از بیماری‌های روحی و روانی نیست، بلکه انسان وظیفه دارد برای پیشگیری از این گونه امراض و رهایی گرفتاران و آزادی اسیران جامعه بشری بکوشد و خود و دیگران را از سقوط در دام‌های شیطان حفاظت کند. این جهاد، مرز نمی‌شناسد و محدود به مرزهای کشورهای اسلامی و منطقه خاص نیست، بلکه کوششی با انگیزه معنوی برای تحول فکری، اخلاقی در سراسر جهان است. جهاد فرهنگی برخلاف درگیری‌های نظامی، مبارزه‌ای کوتاه مدت و موقت و زودگذر نیست. این جهاد وظیفه جاودانه انسان در صحنه زندگی اجتماعی است. در میدان رزم، در کلاس مدرسه و دانشگاه، در درون بازار، در پشت میز اداره، در محراب و منبر، در درون خانه و کارگاه و کارخانه، جریان دارد (محمود پور، ۱۳۸۷).

۳. برداشت نظری از مفهوم جهاد

جهاد یکی از ارکان مهم دین اسلام به شمار می‌رود. در اسلام، جهاد از جمله فرایض عبادی است که در جهت حفاظت از آرمان‌های اسلامی و برچیدن ظلم و بی‌عدالتی به جامعه اسلامی توصیه شده است. به تعبیر حضرت علی^(ع)، جهاد دری از درهای بهشت است که بر اولیای خاص الهی باز می‌شود و ترک‌کننده جهاد، جامه خواری بر تن خواهد کرد (حسنی، ۱۳۸۸). عموم نظریه‌های موجود درباره جهاد، ناظر بر رزمی و نظامی دیدن آن است و بر این اساس مبادی فقهی آن ترسیم شده است. در این میان از منظر تاریخی می‌توان به سه جهت‌گیری برجسته در این زمینه اشاره کرد:

۳-۱. تکرش تفریطی

گروهی که اصل جهاد و مجاهده را در عمل انکار می‌کنند (قادری، ۱۳۸۷).



۳-۲. نگرش افراطی

خوارج در تاریخ صدر اسلام و جریان سلفی-تکفیری در دوران معاصر، در تبیین و کاربرد مفهوم جهاد، برداشت انحرافی و بدعت آمیزی ارائه می کنند که حاصل آن چیزی جز تروریسم نیست (یزدانی و شیخون، ۱۳۸۹).

۳-۳. نگرش اعتدالی

این همان الگوی اشاره شده در قرآن و قابل مشاهده در سیره پیامبران و معصومان است. جلال الدین فارسی معتقد است نهضت های جهادی و انقلابی پیامبران از اصول واحدی پیروی کرده اند. برای نمونه، پیامبر اسلام (ص) به مبارزه اعتقادی دست زد. ابتدا با قرآن به جهاد عظیم بر ضد مشرکان برخاست. همچنین حضرت موسی (ع) و حضرت عیسی (ع) وقتی تأسیس دولت را امکان ناپذیر دیدند، به تکوین ملت یا هسته اولیه آن اکتفا کردند (فارسی، ۱۳۶۱)؛ اما گاهی مبارزه های سیاسی پیامبران و امامان با طاغوت، به درگیری مسلحانه منجر می شد. قیام امام حسین (ع) بزرگ ترین الگوی جهاد به مثابه انقلاب است (شهیدی، ۱۳۷۶).

از منظر قرآن کریم، جهاد بر الگویی نرم افزار گرایانه در عرصه مدیریت دلالت دارد. از این رو اگر بخواهیم از واژه مبارزه و جنگ در این زمینه استفاده کنیم، دو جنگ سخت و نرم را شامل می شود؛ بررسی آیات قرآن کریم نشان می دهد گونه های مختلف از جهاد بر رویکرد نرم افزار گرایانه استوار است. بر اساس مستندات قرآنی انواع جهاد به شش گونه جهاد «الهی»، «توحیدی»، «فی سبیل الله»، «مساعدتی»، «همه جانبه» و جهاد «عمومی» دسته بندی شده است (جانی پور و ستوده نیا، ۱۳۹۳).

۴. جهاد در نگاه اندیشمندان جهان اسلام

امام خمینی (ره) می فرماید: اگر تمام انبیا جمع شوند در یک محلی، هیچ وقت با هم نزاع نمی کنند. اگر اولیا و انبیا را شما فرض کنید که الان بیایند در دنیا، هیچ وقت با هم نزاع ندارند؛ برای این که نزاع مال خودخواهی است، از نقطه نفس انسان پیدا می شود که آن ها نفس را کشته اند، جهاد کرده اند و همه خدا را می خواهند. کسی که خدا را می خواهد نزاع ندارد. همه نزاع ها برای این است که این برای خودش چیزی می خواهد، آن هم برای خودش یک چیزی را می خواهد، این دو



خودها تراحم می‌کنند. این قدرت را می‌خواهد مال خودش باشد، آن هم قدرت را می‌خواهد مال خودش باشد تراحم می‌کنند، جنگ درمی‌آید. اگر مردم تربیت بشوند به تربیت انبیا که همه کتب آسمانی برای این تربیت آمده است، همه این نزاع‌ها از بین می‌رود ... باید بسازیم خودمان را، جدیت کنید که این جهاد سازندگی را از خودتان شروع کنید. وقتی از خودتان شروع کردید هر کاری بکنید این کاری است الهی و وقتی خودتان را ساختید تمام کارهایتان کارهای الهی می‌شود (حرعاملی، ۱۶۳).

ایشان در جای دیگری می‌فرمایند: اساساً اسلام برای سازندگی آمده است و نظر اسلام به ساختن انسان است. جهاد برای سازندگی، سازندگی انسان خودش را مقدم بر همه جهادهاست و این است که رسول اکرم (ص) جهاد اکبر فرموده‌اند. جهادی بس بزرگ است و مشکل و همه فضیلت‌ها دنبال آن جهاد است، جهاد اکبر است. جهادی است که با نفس طاغوتی خودش انسان انجام می‌دهد (حرعاملی، ۱۶۳).

همچنین آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) معتقدند: معیار جهاد تنها شمشیر و میدان جنگ نیست. معیار جهاد همان چیزی است که امروز در زبان فارسی ما در کلمه «مبارزه» وجود دارد. جهاد یعنی مبارزه، در زبان فارسی، جنگ و ستیزه‌گیری معنای مبارزه را نمی‌دهد. می‌گویی من دارم مبارزه می‌کنم: مبارزه علمی می‌کنم، مبارزه اجتماعی می‌کنم، مبارزه سیاسی می‌کنم. مبارزه مسلحانه می‌کنم؛ همه این‌ها مبارزه است و معنا دارد. مبارزه یعنی تلاش پر نیرو در مقابل یک مانع یا یک دشمن. مبارزه آنجایی است که انسان یک مانع برخورد کند که این مانع در جبهه‌های انسانی می‌شود دشمن و در جبهه‌های طبیعی می‌شود موانع طبیعی (خامنه‌ای، ۱۳۸۳؛ صلح میرزایی، ۱۴۰۰).

همان‌گونه که بیان شد آموزه جهاد در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای محدود به جنبه سخت افزاری جهاد (نظامی) نیست، بلکه باید در زمینه معرفتی، علمی و اجتماعی این آموزه و فریضه الهی عینیت یابد: جهاد فقط شمشیر گرفتن و جنگ کردند در میدان قتال نیست، جهاد شامل جهاد فکری، جهاد عملی، جهاد تبیین و تبلیغی و جهاد مال است. ایشان در مورد جهاد کبیر می‌فرمایند: جهاد کبیر یعنی اطاعت نکردن از دشمن؛ از کافر؛ از خصمی که در میدان مبارزه با تو قرار گرفته، اطاعات نکن، اطاعت یعنی تبعیت، تبعیت نکن. تبعیت در میدان‌های مختلف؛ چون سیاست، اقتصاد، فرهنگ، هنر و در میدان‌های مختلف از دشمن تبعیت نکن؛ این شد جهاد کبیر (صلح میرزایی، ۱۴۰۰).



دکتر یوسف قرضاوی می‌فرماید: مهم‌ترین ویژگی جهاد، جهاد با نفس است و انسان نباید به مبارزه با دشمن خارجی بسنده کند. به عقیده ایشان اگر جهاد به معنای مبارزه با دشمنان خدا و مخالفان راه حق باشد، پس شیطان نخستین کسی است که راه حق را می‌بندد و در این راستا سرکرده و برنامه‌ریز است و انس و جن، سربازان و فرمانبران او هستند. وی با استناد به سخن ابن قیم می‌گوید: نبرد در حقیقت بین شیطان و انسان است و این نبرد از زمان آفرینش آدم آغاز شده است؛ آنجا که خداوند به دست خود، آدم را آفرید و از روحش در او دمید؛ در بهشت او را اسکان داد و به فرشتگان دستور داد به احترامش سجده کنند. از این رو می‌بینیم که جهاد در اسلام شامل این نوع جهاد پنهان با دشمن آشکاری است که از زمان آفرینش آدم دشمنی خود را اعلام کرده است و خود و سربازانش را برای مبارزه با نسل آدمی با هر سلاحی که باشد آماده می‌کند.

از نظر شیخ ابن عثیمین: شکی نیست که جهاد با نفس جلوتر از جهاد با کفار است، زیرا انسان با کفار جهاد نخواهد کرد مگر اینکه قبلاً با نفس خویش مجاهدت کرده باشد زیرا کشته شدن چیزی است که برای نفس آدمی ناپسند است. «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ جهاد در راه خدا، بر شما مقرر شد؛ در حالی که برایتان ناخوشایند است. چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آن که خیر شما در آن است و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شر شما در آن است و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید و مهم آن است که جهاد با دشمنان کامل نخواهد گشت مگر بعد از جهاد با نفس و تحمیل آن امر بر آن تا اینکه نفس مطمئن می‌گردد (فتاوی منار الإسلام للشیخ ابن عثیمین).

به عقیده شهید مطهری، با توجه به آیات قرآن، ماهیت جهاد در اسلام، «دفاع و در واقع مبارزه با یک نوع تجاوز است. با این وجود دفاع از نظر وی یک انفعال نیست، بلکه او دفاع را محدود معنا نکرده و بیان می‌دارد همان‌گونه که تجاوز ممکن است اشکال مختلفی داشته باشد به همین نسبت دفاع نیز معنایی گسترده دارد و معتقد است دفاع از حیات، مال و ثروت، سرزمین، استقلال، ناموس و همه این‌ها دفاع‌هایی است مشروع. پس در یک جمله موضوع جهاد، دفاع است، مقصود دفاع به معنی محدود نیست که اگر کسی به تو با شمشیر و توپ و تفنگ حمله کرد دفاع کن؛ نه به تو، یا به یکی از ارزش‌های مادی و یا به یکی از ارزش‌های معنوی زندگی تو و خلاصه اگر به چیزی که برای بشریت عزیز و محترم است و از شرایط سعادت بشریت به شمار می‌رود تجاوز



شود دفاع کن و دفاع به معنی اعم یعنی مبارزه با یک ظلم موجود. اصولاً ایشان، فلسفه جهاد در اسلام را همین امر می‌داند؛ قرآن اساساً جهاد را که تشریع کرده است، نه به‌عنوان تهاجم و تغلب و تسلط است بلکه به‌عنوان مبارزه با تهاجم است و البته وی در ادامه، جهاد برای بسط ارزش‌های انسانی را نیز نام می‌برد؛ جهادی که در فقه از آن به جهاد ابتدایی تعبیر می‌شود و به نظر استاد تنها در زمان حضور امام معصوم (ع) جایز است. البته ایشان هم متفق با سایر علما در جهاد به معنای دفاع در مقابل متجاوز، جهاد را مطلقاً واجب دانسته و اذن امام را شرط نمی‌داند (چرا که چنین جهادی از ضروریات زندگی بشر است). برای اثبات این امر، وی به قرآن استدلال می‌کند. قرآن می‌گوید: اگر در مواقعی که تهاجم از نقطه مقابل شروع می‌شود این طرف دفاع نکند سنگ روی سنگ بند نمی‌شود، تمام مراکز عبادات هم از میان می‌رود: «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيعُ وَصَلَوَاتُ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ» اگر خدا به وسیله بعضی جلوی تهاجم بعضی دیگر را نگیرد تمام این صومعه‌ها و مراکز عبادات خراب می‌شوند. با این توضیحات به عقیده شهید مطهری، آنان که شبهه می‌کنند جنگ مطلقاً بد است؛ سخنی سست و بی‌اساس می‌گویند. او در تفاوت اسلام و مسیحیت جهاد را افتخار اسلام دانسته و می‌گوید: «می‌گویند مسیحیت این افتخار را دارد که هیچ اسمی از جنگ در آن نیست، اما ما می‌گوییم اسلام این افتخار را دارد که قانون جهاد دارد. یکی از مواردی که ایشان به آن تأکید فراوانی دارند بُعد اجتماعی جهاد است چرا که «اسلام دینی است که وظیفه و تعهد خودش می‌داند که یک جامعه تشکیل بدهد. اسلام آمده حکومت تشکیل بدهد، رسالتش اصلاح جهان است؛ چنین دینی نمی‌تواند بی‌تفاوت باشد، نمی‌تواند قانون جهاد نداشته باشد، اسلام دایره‌اش وسیع است. مسیحیت از حدود اندرز تجاوز نمی‌کند، اما اسلام تمام شئون زندگی بشر را زیر نظر دارد، قانون اجتماعی دارد، قانون اقتصادی دارد، قانون سیاسی دارد، چطور می‌تواند قانون جهاد نداشته باشد؟ مسئله جهاد، داخل در آن مسئله رابطه جامعه اسلامی با افراد و جامعه‌های دیگر است. جهاد به فرد مربوط نیست، حکم جهاد را در جامعه اسلامی شیعه باید فقط امام معصوم یا نایب امام صادر کند و ما می‌گوییم جهاد بدون اجازه امام یا نایب امام انجام نمی‌شود. جهاد مربوط به جامعه اسلامی است. لازمه حقیقت بودن دین، مسئولیت داشتن در دین است چه از نظر خود و چه از نظر جامعه. شهید مطهری ویژگی مهم جهاد اسلامی را الهی بودن آن می‌داند چرا که «جهاد اسلامی، صرف شمشیر زدن و با دشمن اسلام جنگیدن نیست. [جنگیدن] در راه خدا و به قصد رضای خدا جهاد



است و الا ممکن است کسی در صفوف مسلمین هم باشد، از سربازهای دیگر هم بیشتر حرارت به خرج بدهد، بیشتر هم گردد و خاک کند اما اگر توی دلش را بشکافید، مثلاً شهرت، نام، افتخار، اسمم زیاد برده شود، عکسم چاپ شود، اسمم در تاریخ ثبت شود یا به هدف‌های دیگر است»، لذا چنین شخصی را نمی‌توان مجاهد نامید (مجموعه آثار شهید مطهری، ۵۲۷).

شهید سید قطب، جهاد را به چهار اصلی معرفی می‌کند: الف. مبارزه با جاهلیت اعتقادی به‌منظور از بین بردن حاکمیت موجود و سازمان‌های مبتنی بر جاهلیت اعتقادی؛ ب. جهاد دفاعی مبتنی بر دریافت جزیه از طاغوتیانی که به عقاید اسلامی روی نمی‌آورند؛ ج. پرستش خالصانه خداوند و عدم سازش و نرمی در این پرستش خالص؛ د. حفظ اسلام به‌عنوان اصل جهانی و مبارزه با مخالفان این اصل جهانی. سید قطب در اصل اول، به همان واقعیت جدی که در دین وجود دارد اشاره می‌کند؛ جنبشی که بشریت با آن روبه‌رو است نوعی درگیری و پیکار با جاهلیت اعتقادی است که بر اساس آن جاهلیت، سازمان‌های کاربردی و واقعی برپا می‌شوند و حکومت‌هایی که قدرت مادی دارند به آن تکیه می‌کنند؛ در این حالت، جنبش اسلامی با دعوت و بیان صحیح اعتقادات با آن مواجه می‌شود، یا با به کار بردن قدرت و جهاد برای از بین بردن سازمان‌ها و حاکمیت موجود، اقدام می‌کند. با توسل به جهاد است که سلاطین حاکم، خاضع و کوچک می‌شوند. این حرکت به تبلیغ در مقابل سلطان مادی نمی‌پردازد، بلکه می‌کوشد انسان‌ها را از عبودیت بندگان به عبودیت خدای یگانه سوق دهد.

سید قطب در اصل دوم به جنبشی که دربردارنده چند مرحله است، اشاره کرده، تأکید می‌کند که بنا به مقتضیات، هر یک از این مراحل لوازم و ادوات پیکار را در بر می‌گیرد و هر مرحله به مرحله بعد از خود وابسته است. در این میان کسانی هستند که با تکیه به نصوص قرآنی به جهاد به‌عنوان منهج دین استشهاد می‌کنند؛ اما این روش را نمی‌پسندند و طبیعت مراحل در این منهج و نیز روابط بین متون مختلف را درک نمی‌کنند؛ آن‌ها کسانی هستند که امور را با هم خلط می‌کنند و به منهج دین لباس گمراهی می‌پوشانند و آیات قرآنی را به میل خود تفسیر می‌کنند؛ آن‌ها شکست خورده‌های روحی و عقلی هستند که خیال می‌کنند از اسلام چیزی جز عنوان، نمانده است؛ لذا معتقدند جهاد در اسلام دفاعی است و گمان می‌کنند از دین دفاع کرده، طاغوتیان را از بستر زمین بر می‌چینند. در این رهگذر، آن‌ها بر گردن نهادن دیگران به عقیده اسلام اصرار ندارند؛ بلکه، با دریافت جزیه، دیگران را در گزینش عقیده آزاد می‌گذارند.



در اصل سوم، وی به فعالیت‌های روزمره‌ای که دین را از قواعد و اهداف مشخص شده خارج نمی‌کند، اشاره کرده، معتقد است از روز اول عشیره و اقربین قریش، تمام عرب و جهانیان به یک روش واحد مورد خطاب هستند که در پرستش خداوند خالص باشند و در این قاعده سازش و نرمی نکنند؛ سپس بعد از آن به هدف واحد در مسیر خود سیر کنند.

سرانجام، در اصل چهارم، به حفظ قانونمند روابط بین جامعه مسلمانان و سایر جوامع پرداخته، می‌نویسد: اصل جهانی بودن اسلام، پذیرش همگانی و لزوم مراجعه تمام انسان‌ها به آن باید حفظ شود. هیچ نظام سیاسی یا قدرت مادی حق ندارد در این پذیرش، مانعی ایجاد کند و باید فرد را مخیر سازد که یا اسلام را بپذیرد و یا با اراده کامل آن را رد کند؛ اما هیچ کس حق مقاومت و جنگ با او را ندارد و اگر کسی چنین کند حق اسلام است که با او بجنگد و حتی او را بکشد تا اینکه اعلام کند که اسلام را پذیرفته است.

اما از دیدگاه تعداد دیگری از علمای اهل سنت به استناد آیات قرآن کریم و احادیث نبوی (ص)، جهاد با نفس از جهاد با کفار بالاتر و ارزنده‌تر باشد از دو جهت قوی به نظر نمی‌رسد و ضعیف است؛ نخست اینکه حدیث (رجعنا من الجهاد الاصغر الى الجهاد الاکبر) بیانگر فضیلت جهاد با نفس بر جهاد با کفار به صحت نرسیده است؛ دوم اینکه جهاد با کفار از اعظم اعمال بلکه از بهترین اعمال تطوع دانسته شده که با آن به خدا تقرب جسته می‌شود و در صریح آیات قرآن کریم بهترین اعمال و برتر از سایر اعمال نافله و تزکیه نفس بیان شده است. قرآن کریم می‌فرماید: «لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِّ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا؛ آن گروه از مؤمنانی که بدون بیماری جسمی [و نقص مالی و عذر دیگر، از رفتن به جهاد خودداری کردند و] در خانه نشستند، با مجاهدانی که در راه خدا با اموال و جان‌هایشان به جهاد برخاستند، یکسان نیستند. خدا کسانی را که با اموال و جان‌هایشان جهاد می‌کنند به مقام و مرتبه‌ای بزرگ بر خانه نشینان برتری بخشیده است؛ و هر یک [از این دو گروه] را [به خاطر ایمان و عمل صالحشان] وعده پاداش نیک داده و جهادکنندگان را بر خانه‌نشینان [بی عذر] به پاداشی بزرگ برتری داده است» (النساء، ۵).

پیامبر (ص) نسبت به اهمیت جهاد فرموده‌اند: «بعثت بين يدي الساعة بالسيف حتى يعبد الله وحده لا شريك له و جعل رزقي تحت ظل رمحي و جعل الذل و الصغار على من خالف أمري و



من تشبه بقوم فهو منهم؛ با شمشیر مبعوث شدم تا آدمی خدای یکتا را - که شریکی ندارد - پرستش کند؛ و خداوند روزی مرا در سایه شمشیر گرداند و ذلت و خواری را برای کسی که سرپیچی کند، مقرر داشت. هر که خود را به قومی همانند سازد، جزو آن قوم شمرده می‌شود (اخرجه البخاری، ۲۹۱۴).

جدول ۱: مقایسه جهاد اکبر و جهاد اصغر

جهاد اصغر	جهاد اکبر
واجب کفایی است	واجب عینی است
وابسته به زمان، مکان و شرایط خاص است	محدود به زمان و مکان خاصی نیست
دشمن ظاهر است و شخص می‌داند باید با چه کسی مبارزه کند	انسان دشمن خود را نمی‌بیند و دقیقاً نمی‌داند باید با چه کسی مبارزه کند
ممکن است انسان تنها یک مرتبه جان خود را از دست بدهد	ممکن است در طول یک روز چندین بار معنویت خود را از دست بدهد
صلح و سازش با دشمن ممکن است	صلح و سازش با دشمن درون ممکن نیست
حفظ و تداوم جهاد اصغر به وسیله جهاد اکبر است	حفظ و تداوم جهاد اکبر وابسته به جهاد اصغر نیست
درگیری و مبارزه با پیروان شیطان است	فرار از نفس شیطانی امکان‌پذیر نیست
ممکن است دشمن ضعیف باشد	دشمن بسیار قوی است

جهاد با نفس از جهاد با دشمن خارجی مهم‌تر است و لذا در احادیث جهاد اکبر نامیده شده و از جهاد اصغر برتر است از چند جهت:

❖ جهاد اصغر، جهاد با دشمن برون است؛ اما جهاد اکبر مبارزه با دشمن درون (نفس اماره) است که خطرش بیشتر از خطر دشمن خارجی است؛ زیرا دشمن (برونی) پیدا است، اما دشمن درونی ناپیدا. به‌طوری که نقشه‌ها و فکرها و فکرها و فکرها را فکر خود تلقی می‌کند، مثلاً غیبت دیگران به‌عنوان وظیفه شرعی تلقی می‌کند یا به‌ظاهر نماز می‌گذارد؛ ولی به جهت ریا کاری‌اش به شیطان سجده می‌کند به‌ظاهر از روی دلسوزی انتقاد می‌کند؛ ولی در واقع به دنبال تضعیف رقیب است و خلاصه اینکه گاهی انسان به‌طرف جهنم گام برمی‌دارد؛ ولی خیال می‌کند به سوی بهشت رهسپار است و آن‌گونه اسیر نفس اماره است که هرگز کوچک‌ترین شک و شبهه‌ای در افکار و اعمال و حرکات خویش نمی‌کند؛



- ❖ جهاد اصغر با دشمن برونی است و زمان مشخصی دارد، برخلاف جهاد و مبارزه با دشمن درونی که هرگز محدودیت ندارد و در کودکی، جوانی، پیری، در گرفتاری، خوشحالی، در هر زمان و شرایطی مطرح است؛
- ❖ در جنگ با دشمن بیرون، مبارزه جمعی است و ممکن است یکی از طرفین برای همیشه شکست بخورد و یا عقب‌نشینی کند؛ ولی نفس اماره دشمنی است که هرگز نابود نمی‌شود و به عبارت دیگر در جهاد اصغر، آتش بس وجود دارد، ولی در جهاد اکبر مبارزه وقفه‌ای ندارد و همیشگی است؛
- ❖ دشمن خارجی ممکن است که نقاط ضعف و راه‌های نفوذ را نداند؛ ولی دشمن درونی راه‌های نفوذ و نقاط ضعف انسان را می‌داند؛
- ❖ دشمن خارجی جان را هدف قرار می‌دهد و دشمن درونی جسم و جان و شخصیت و کمالات انسانی را؛
- ❖ با دشمن خارجی می‌توان کنار آمد؛ ولی با دشمن درونی نمی‌توان سازش کرد مگر با تسلیم شدن؛ در جنگ با دشمنان خارجی حمایت جمعی و کسب امتیاز مطرح است؛ ولی در جنگ با هوس و دشمن درون، تنها سرمایه و امکانات مبارزه انسان ایمان است و ممکن است در ظاهر حمایت و امتیازی مطرح نباشد؛
- ❖ در جهاد اصغر از نظر عده و وسیله می‌توان قبل از جنگ آمادگی لازم را داشت و ابزار دفاعی را فراهم نمود؛ اما جهاد اکبر محدود به ابزار خاصی نیست و نمی‌توان پیش‌بینی لازم را کرد؛
- ❖ از نظر عده و نیرو در جهاد اصغر قسمتی از مردم شرکت می‌کنند، اما در جهاد اکبر تمام مردم باید شرکت کنند؛
- ❖ اهمیت جهاد بستگی به میزان قدرت دشمن است، اگر جنگ با یک دشمن ضعیف باشد آسان‌تر است تا جنگ با دشمن قوی و هر قدر دشمن قوی‌تر باشد، جنگ با آن مشکل‌تر و با اهمیت‌تر است و جهاد با نفس از آن نظر جهاد اکبر است که نیرویش از دشمن برون بیشتر است؛



- ❖ جهاد اکبر از حیث نتیجه هم مشکل تر است؛ زیرا در جهاد با دشمن خارجی یا پیروزی است یا شهادت که هرکدام باشد پیروزی محسوب می شود اما در جهاد اکبر یا پیروزی عقل و ایمان است یا شکست و سقوط در دام شهوات؛
- ❖ در جهاد اصغر ممکن است انسان از دشمن دور باشد و کمتر آسیب ببیند برخلاف نفس که دشمن هم خانه است؛
- ❖ فرار از دست دشمن در جهاد اصغر ممکن است؛ ولی در جهاد اکبر ممکن نیست؛
- ❖ دشمنی دشمن در جهاد اصغر برای همگان پذیرفته شده است برخلاف جهاد اکبر؛
- ❖ در جهاد اصغر، ضربات دشمن انگیزه را در انسان تقویت می کند به خلاف جهاد اکبر؛
- ❖ در جهاد اصغر، ضربات دشمن محسوس است؛ اما در جهاد اکبر محسوس نیست.

۵. رابطه جهاد اصغر با جهاد اکبر

قرآن کریم در سوره مبارکه اعراف سخن از جامه تقوا آورده است. جامه تقوا جهاد است. تقوا یعنی پاکی راستین، پاکی از چه؟ از آلودگی ها، ریشه آلودگی های روحی و اخلاقی چیست؟ خودخواهی ها و خودپسندی ها و به همین دلیل مجاهد واقعی، با تقواترین با تقواهاست؛ زیرا یکی پاک و متقی است از آن جهت است که پاک از حسادت است، دیگری پاک از تکبر است، سومی پاک از حرص است، چهارمی پاک از بخل است، اما مجاهد پاک ترین پاک ها است؛ زیرا پا روی هستی خود گذاشته است، مجاهد پاکبخته است. این مطلب که تقوا درجات و مراتب دارد از منظر قرآن به خوبی استفاده می شود: «لیس علی الذین آمنوا و عملوا الصالحات جناح فی ما طعموا اذا ما اتقوا و آمنوا و عملوا الصالحات ثم اتقوا و آمنوا ثم اتقوا و احسنوا و الله یحب المحسنی؛ بر آنان که ایمان آورده و شایسته عمل کرده اند، در مورد آنچه از نعمت های دنیا مصرف کنند، باکی نیست. هرگاه تقوا و ایمان و عمل صالح را توأم داشته باشند و بعد از آن ایمان و تقوا و بار دیگر تقوا و احسان» (مائده، ۹۳). این آیه کریمه متضمن دو نکته عالی از معارف قرآنی است. یکی درجات و مراتب ایمان و تقوا و دیگر، فلسفه حیات و حقوق انسان. می خواهد بفرماید: نعمت ها برای انسان است و انسان برای ایمان و تقوا و عمل. انسان آنگاه مجاز است از نعمت های الهی بهره مند گردد و آنگاه این نعمت ها به مورد مصرف خواهد شد که خود انسان در مسیر تکاملی خودش که خلقت او را در آن مسیر قرار داده حرکت کند، یعنی مسیر ایمان و تقوا و عمل شایسته.



خداوند می‌فرماید: «و جهدوا فی الله حق جهاده هو اجتباکم و ما جعل علیکم فی الدین من حرج مله اَیَکم اِبرهیم هو سماکم المسلمین من قبل و فی هذا لیكون الرسول شهیداً علیکم و تكونوا شهداء علی الناس فأقیموا الصلوة و آتوا الزکوة و اعتصموا بالله هو مولاهم فنعم المولی و نعم النصیر؛ و در راه خدا جهاد کنید و حق جهادش را ادا نمایید او شما را برگزید و در دین کار سنگین و شاقی بر شما نگذارد این همان آیین پدر شما ابراهیم است او شما را در کتب پیشین و در این کتاب آسمانی مسلمان نامید تا پیامبر شاهد و گواه بر شما باشد و شما گواهان بر مردم بنابراین نماز را بر پا دارید و زکات را بدهید و به خدا تمسک جوئید که او مولا و سرپرست شماست چه مولای خوب و چه یار و یاور شایسته‌ای» (حج، ۷۸).

در حقیقت قرآن کریم، در این پنج دستور از مراحل ساده شروع کرده و به آخرین و برترین مراحل عبودیت می‌رساند: نخست سخن از رکوع و سپس از آن برتر سخن از سجود است، بعد عبادت به‌طور کلی و سپس انجام کارهای نیک اعم از عبادات و غیر عبادات و در آخرین مرحله سخن از جهاد و تلاش و کوشش فردی و جمعی در بخش درون و برون، کردار و گفتار و اخلاق و نیت به میان آورده است؛ و این دستور جامعی است که فلاح و رستگاری بدون شک در دنبال آن خواهد بود. در جای دیگر می‌فرماید: «فلا تطع الکفرین و جهدهم به جهادا کبیراً؛ از کافران اطاعت مکن و با آنان به جهاد کبیر برخیز» (فرقان، ۵۲). در این آیه دو دستور مهم را که دو برنامه اساسی پیامبران را تشکیل می‌دهد بیان می‌کند، نخست می‌فرماید: بنابراین از کافران اطاعت مکن (فلا تطع الکافرین). در هیچ قدم راه سازش با انحرافات آن‌ها را پیش مگیر که سازشکاری با منحرفان، آفت دعوت به سوی خدا است، در برابر آن‌ها محکم بایست و به اصلاح آن‌ها بکوش، ولی مراقب باش ابداً تسلیم هوس‌ها و خرافات آن‌ها نشوی؛ و اما دستور دوم اینکه به وسیله قرآن با آن‌ها جهاد بزرگی کن (و جاهدهم به جهادا کبیراً). بدون شک منظور از جهاد در این مورد جهاد فکری و فرهنگی و تبلیغاتی است، نه جهاد مسلحانه، چرا که این سوره مکی است و می‌دانیم دستور جهاد مسلحانه در مکه نازل نشده بود (مکارم شیرازی، ۱۲۳).

۵-۱. تفاوت جهاد اکبر و جهاد اصغر

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که فرضاً که جهاد با نفس یک جهاد واقعی باشد، چرا به‌عنوان جهاد اکبر معرفی شده است، چگونه می‌توان گفت این جهاد از حضور مدافعان اسلام در میدان

نبرد با دشمنان برتر است، با این که اینان همه خطرهای احتمالی و حتی شهادت و جان‌بازی و دشواری‌های میدان نبرد را پذیرفته‌اند؟ چرا و به چه علت جهاد با نفس به عنوان جهاد اکبر معرفی شده است؟

جهاد اکبر با جهاد اصغر از جهات مختلف تفاوت دارند:

❖ انجام هر عبادتی به طور کامل و با همه شرایط و حتی جهاد مسلحانه در راه خداوند به جهاد با نفس نیاز دارد؛ مثلاً آیا ادای نماز با حضور قلب و رعایت همه شرایط به گونه‌ای که ناهی از فحشا و منکر و معراج نمازگزار باشد بدون جهاد با نفس امکان دارد؟ آیا بدون جهاد با نفس می‌توان با اخلاص و قصد قربت، جان بر کف نهاد و در میدان نبرد با دشمنان اسلام جنگید؟

❖ جهاد اصغر، واجب کفایی است، اما جهاد اکبر واجب عینی و بر همگان واجب است؛
❖ جهاد اصغر در زمانی خاص و با شرایط ویژه‌ای انجام می‌گیرد، اما جهاد اکبر (جهاد با نفس) محدود به زمان و مکان خاصی نیست؛

❖ در جهاد اصغر دشمن ظاهر است، ولی در جهاد اکبر دشمن پنهان و مخفی است؛
❖ در جهاد اصغر، رزمنده پس از چندی سالم به وطن بازمی‌گردد، یا احتمالاً شهید می‌شود و به قرب حق تعالی نائل می‌گردد، اما در جهاد اکبر، رزمنده باید تا پایان عمر در حال جهاد باشد؛

❖ رزمنده در جهاد اصغر، سنگر و پناهگاهی دارد که می‌تواند آنجا پناهنده شود، برخلاف جهادگر در جهاد اکبر که هیچ پناهگاهی ندارد، حتی در شب تاریک و به هنگام دعا و مناجات هم نفس اماره، دست از سرش برنمی‌دارد؛

❖ در جهاد اصغر، شکست یا پیروزی به زودی آشکار می‌گردد و در آینده می‌توان آن را جبران کرد، بر خلاف جهاد با نفس اماره که ممکن است جهادگر شکست خورده باشد، ولی خود بدان توجه نداشته باشد؛

❖ حمله دشمن در جهاد اصغر نیاز به برنامه و بودجه و تمرینات نظامی دارد، ولی وسوسه‌های نفس اماره نیازی به بودجه و آمادگی رزمی ندارد؛

❖ در جهاد اصغر، فرار از معرکه امکان دارد، اما در جهاد اکبر امکان فرار وجود ندارد؛ چون دشمن یعنی نفس اماره در باطن ذات، کمین کرده است؛



- ❖ در جهاد اصغر می‌توان با صرف اموال از نیروهای دیگر کمک گرفت، بر خلاف مبارزه با نفس اماره که چنین امکانی وجود ندارد؛
- ❖ ابزار و سلاح‌های مورد نیاز جهاد اصغر در بازار اسلحه‌فروشان موجود است و می‌توان خریداری کرد، ولی ابزار جنگی در جهاد اکبر در بازار یافت نمی‌شود، باید در این خصوص از سخنان پیامبران و اولیای خدا و پند و اندرز علمای اخلاق و افراد خودساخته‌ای که در این راه توفیق یافته‌اند استفاده نمود.

نتیجه‌گیری

جهاد اکبر و جهاد اصغر در حقیقت لازم و ملزوم یکدیگرند و هر دو جزو عقاید اسلامی می‌باشند. جهاد اکبر باعث کنترل نفس و تقرب روح انسان به سوی سعادت ابدی می‌شود، جهاد اصغر به جنگ و مبارزه با مشکلات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی اشاره دارد. این نوع جهاد شامل تلاش برای عدالت اجتماعی، دفاع از مظلومان و محرومان، مقابله با ستم و استبداد و تلاش برای بنیان‌گذاری یک جامعه عادلانه و خوشبخت است. از منظر اکثریت علمای امت اسلامی جهاد با نفس و شیطان جهاد اکبر خوانده شده و جنگ در برابر کفار را جهاد اصغر می‌دانند که به شکل حلقه‌های زنجیر به هم وصل‌اند.

اگر به گذشته نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که جهاد فکری برای بیرون راندن استعمار از ذهن‌ها و دل‌ها، دشوارتر از جهاد مسلحانه برای بیرون راندن استعمار از سرزمین‌های جهان اسلام بوده است. تاریخ ثابت کرده است که خروج از سرزمین‌های اشغالی به قدرت فکری مسلمانان و دقت در حوزه‌های عقل و فلسفه امکان‌پذیر است. امروزه مهاجمان در جنگ با مبارزان فکری مسلمان گرد هم آمده‌اند و رویارویی از دیرباز تاکنون در اوج خود بوده است. این همان نبردی است که از قدیم‌الایام بین انسان و شیطان آغاز شد. این سخت‌ترین صحنه‌ای است که بی‌وقفه ادامه دارد و همواره تجدید می‌شود.

دشمن لحظه‌ای غفلت نورزیده و دائم مشغول نبرد فرهنگی با جوامع مسلمین است. آثار حملات فرهنگی دشمن را به‌وضوح می‌توانیم در کشورهای اسلامی مشاهده کنیم. با توجه به اهمیت مبارزه در میدان فرهنگی، بعید نیست که اهمیت آن بیش از جهادهای دیگر باشد. همچنین لازم است بدانیم که جهاد فرهنگی ارتباط مستقیمی با جهاد نفس و شیطان دارد که این خود نیز نشان دیگری از اهمیت والای این جهاد می‌باشد. از سوی دیگر دشمنان اسلام همواره در تلاش



بوده‌اند تا از جهت سیاسی، اقتصادی و علمی، مسلمانان را در مضیقه قرار دهند و بدین وسیله کاری کنند تا همیشه محتاج آن‌ها باشند. این معضل، فواید زیادی را برای آن‌ها به دنبال دارد؛ از جمله این که کشورهای اسلامی را تبدیل به بازار خوبی برای کالاهای خود می‌کنند و از سوی دیگر قدرت مقابله و ستیز را از آن‌ها می‌ستانند. بنابراین بر مسلمانان ضروری است که در این عرصه نیز به مقابله با دشمنان بپردازند.

بر اساس آنچه در این تحقیق به دست آمده است، تفاوت جهاد اکبر و جهاد اصغر در این است که جهاد اکبر مرتبط با تلاش برای رشد و پاکسازی داخلی و جامعه سالم است و اما جهاد اصغر برای دفاع و پاسداری در مقابل تهاجم دشمنان از جان، مال، ناموس، دین و سرزمین می‌باشد. شکی نیست که جهاد با نفس جلوتر از جهاد با کفار است، زیرا انسان با کفار جهاد نخواهد کرد مگر اینکه قبلاً با نفس خویش مجاهدت کرده باشد زیرا کشته شدن چیزی است که برای نفس آدمی ناپسند است.



فهرست منابع

- قرآن کریم.
- ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۸)، *النهایه فی غریب الحدیث و الاثر*، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ چهارم
- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۱ ه.ق)، *معجم مقایس اللغة*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ه.ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر، چاپ سوم.
- غزالی، امام محمد (بی تا)، *احیاء العلوم*، ج ۳، ص ۷.
- انصاریان، حسین، (بی تا)، *تفسیر حکیم*، قم: دارالعرفان، چاپ اول.
- تبیان/ بخش اعتقادات شیعه، به نقل از مشکات هدایت، آیت الله مصباح یزدی، ص ۱۵۰-۱۵۱.
- تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۴۳۶-۴۳۸.
- تهاجم فرهنگی، آیت الله محمد تقی مصباح یزدی، ص ۱۱ و ۱۲.
- جانی پور، محمد؛ ستوده نیا، محمدرضا (۱۳۹۳)، *تبیین راهبرد نرمافزارگرایانه جهاد در قرآن کریم*، فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث، دوره ۱۱، شماره ۳.
- حر عاملی، محمد (۸۱۴۸ ق.) *وسائل الشیعه*.
- حوزه، پایگاه اطلاع رسانی، به نقل از مجله پرسمان، اسفند ۱۳۸۵، شماره ۵۴.
- صلح میرزایی، سعید (۱۴۰۰). *جهاد تبیین در اندیشه آیت الله العظمی خامنه ای* (مدظله العالی). تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- فرهنگ اسلامی، «جهاد فرهنگی ضرورت جامعه اسلامی امروز» زهرا میرزایی.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ ق.)، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافقی*، قم: موسسه دارالهجره، چاپ دوم.
- قادری، حاتم (۱۳۹۲)، *اندیشه های سیاسی در اسلام و ایران*، تهران: انتشارات سمت.
- مجموعه ورام، ج ۱، ص ۵۹.
- مجموعه آثار شهید مطهری.
- مهدی پور، محمود (۱۳۸۷)، *جهاد فرهنگی*، با دخل و تصرف، مبلغان شماره ۱۰۳ ص ۵ و ۶.
- مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۹۴)، *جنگ و جهاد در قرآن*، تدوین و نگارش: محمد حسین اسکندری و محمد مهدی نادری قمی، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^(ره)، چاپ چهارم.

